

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

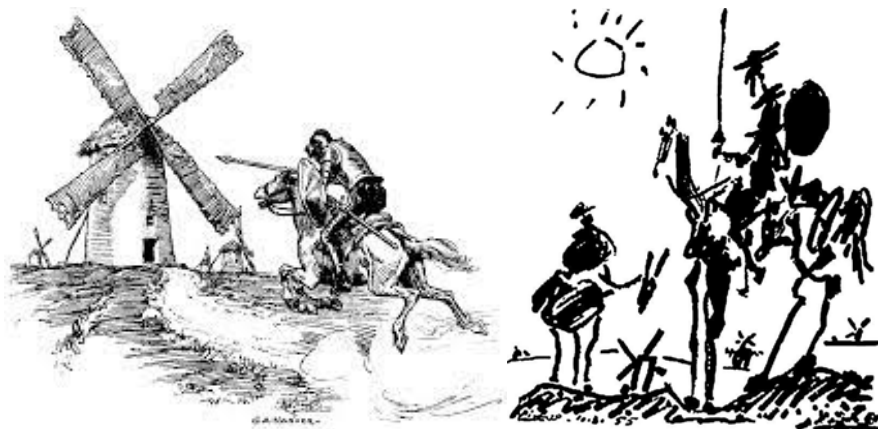
Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۴ مارچ ۲۰۲۳

سخنان و مواضع دن کیشوت وار سید علی خامنه‌ای و ...!

رمان معروف «دن کیشوت» اثر نویسنده اسپانیایی میگل د سروانتس، ۴۰۰ سال سابقه دارد و یکی از محبوبترین رمان‌های جهان به‌شمار می‌آید. دن کیشوت شگفتی عالم رمان است؟ نویسنده این رمان، میگل د سروانتس ساودرا، یک نویسنده اسپانیایی بود که در پایان قرن شانزدهم و آغاز قرن هفدهم می‌زیست. دن کیشوت، مشهورترین رمان اوست. در کنار شخصیت متوهم دن کیشوت که قرار است شوالیه‌وار به جنگ مخالفین خود برود اما در طول داستان با دیوهای خود ساخته و کوه و جنگل به جنگ برمی‌خیزد و در ذهن خود، حماسه‌های عجیب و غریبی می‌آفریند. مردی روستایی به‌نام سانچو پانزا سوار بر الاغی او را همراهی می‌کند، سانچو در حالی که کاملاً ترسو و پرحرف است اما به دن کیشوت وفادار است. در مثل‌های سیاسی، پهلوان پنبه‌هایی وجود دارد که زمان و مکان را در کنشی درک نمی‌کنند و همواره در پی خلق دشمن فرضی برای مبارزه هستند را دن کیشوت می‌نامند. اما این پدیده را دن کیشوتیسم، علی خامنه‌ای و سایر مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی، به مرتبه ویژه‌تری رسانده‌اند و سانچوهای زیادی دارند که به‌هر شکل ممکن وفاداری خود را به «قدرت شکست‌ناپذیر» نشان می‌دهند و این نکته ظهور و بروز پدیده سانچو پانزا‌های جدید در جامعه ما است.



دن کیشوت به جنگ آسیاب‌های بادی می‌رود. دن کیشوت اثر پابلو پیکاسو ۱۹۵۵

حکومتی که در راس آن رهبرشان، هرگونه مشکل کوچک و بزرگ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را از یکسو به دشمنان «خیالی» نسبت می‌دهند و از سوی دیگر، قدرت و حاکمیت‌شان «آسمانی» و «ابدی» و

«شکست‌ناپذیر» و در عین حال «پاک و منزه» از هرگونه فساد و جهالت می‌داند؛ سخت دچار توهم است و دن کیشون وار حاکمیت می‌کند. او، همواره مانند دن کیشوت، شمشیر خود را در هوا می‌چرخاند تا گردن دشمنان خود را بزنند. دشمنانی که کودکان تا بزرگسالان، زنان تا مردان ایران زمین هستند و جرم‌شان هم این است که برای دادخواهی، حق‌خواهی، آزادی‌خواهی، برابری‌طلبی و ساختن دنیای بهتر و شایسته‌تر انسانی، اکنون وارد صحنه جدی و سرنوشت‌ساز مبارزه سیاسی علیه جمهوری جهل و جنایت و ترور و بچه‌کش اسلامی شده‌اند. حکومتی که کسب و کار اصلی همه مقامات سیاسی و نظامی و قضایی و در راس همه رهبرشان، غارت اموال عمومی، حتی دست‌درازی به سفر خالی کارگران و محرومان جامعه، تجاوز به جان و مال مردم و جنایت علیه بشریت است!

البته نمی‌توان شخصیت سانچو پانزا روستایی ساده‌دل و شریف را با جنایت‌کاری هم‌چون خامنه‌ای و سایر مقامات این حکومت مقایسه کرد. مقامات جمهوری اسلامی، هر جا بوی پست و مقام و پول بیاید بلافاصله بساط خونین خود را پهن می‌کنند و برای حفظ موقعیت خود، به هر دروغ و حيله و جنایتی متوسل می‌شوند.

ماجرای دن کیشوت بیش‌تر شامل ایجاد مشکل یا دیدن مشکلات در جایی است که آن‌ها نباید در آن‌جا وجود داشته باشند. برای مثال، مسافرخانه‌داری وانمود می‌کند که یک ارباب است و بنا به درخواست خود دن کیشوت را شوالیه می‌نامد تا از شر او خلاص شود و دن کیشوت، از مزاحمت سایر مهمانانش دست بردارد. دن کیشوت، هم‌چنین سعی می‌کند در برخی از زمان‌ها که شخصیت‌هایی را ملاقات می‌کند (مثلا اربابی که خدمت‌کار جوانش را کتک می‌زند) ضرورت رعایت اخلاق را القا کند، اما شخصیت‌ها مانند مهمان‌خانه‌دار، فقط به کیشوت وعده‌های دروغین برای خلاص شدن از شر او می‌دهند. ماجرای او در این بخش از داستان، تقریباً زمانی به پایان می‌رسد که دن کیشوت به‌طرز وحشتناکی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد. همسایگان دن کیشوت در تلاش برای جلوگیری از وسواس بی‌جهت و بی‌حد و مرز او، کتاب‌هایش را آتش زده و کتاب‌خانه‌اش را از بین می‌برند.

سیدعلی خامنه‌ای طی این دهه‌ها، همواره تلاش داشت برای روحیه دادن به نیروهای سرکوبگر و متجاوز خود هم‌چون پاسدارها، بسیجی‌ها، لباس شخصی‌ها، نظامی‌ها و پلیس و امنیتی و غیره، در روز روشن دروغ بگوید و دن کیشوت وار حرکت کند.

او اکنون در پیام نوروزی خود، ژست یک رهبر قوی را گرفته تا با برخی وعده و وعیدها و تعیین چشم‌اندازهای توخالی به نیروهایش روحیه تازه بدهد، اما شش ماه سال گذشته به گونه دیگری تمام شد و وضعیت سال جدید نیز به همان گونه در جریان خواهد بود. سالی که گذشت انقلاب «زن، زندگی، آزادی» مردم ایران، خامنه‌ای و حکومتش را نه تنها در جامعه ایران، بلکه در نزد جامعه جهانی رسواتر و منزوی‌تر کرد. از همین رو، سخنان خامنه‌ای در پیام نوروزی برخلاف ادعاها و ژست‌هایش، حاکی از سرخوردگی و ناامیدی خود او و بدون چشم‌انداز بقای حکومت‌شان است.

خامنه‌ای در پیام نوروزی امسال گفت:

«سال ۱۴۰۱ سالی بود سرشار از عوارض گوناگون چه عوارض اقتصادی، چه عوارض سیاسی، چه عوارض اجتماعی - بعضی شیرین، بعضی هم تلخ، مثل همه سال‌های زندگی انسان و در نگاه کلان، سال‌های ملت ایران به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی.»

به این ترتیب، از نظر خامنه‌ای همه تحولاتی که در صحنه سیاسی و اقتصادی ایران طی یک سال گذشته، همان سال‌های پیش رخ داد «عوارض» بود.

اما نهایتاً خامنه‌ای، ناچار شد اعتراف کند که تلخ‌ترین عارضه تورم بود؛ گفت:

«به‌نظر من در سال ۱۴۰۱، مهم‌ترین مسئله‌ای که برای ملت مطرح بود مسئله اقتصاد کشور بود که به معیشت مردم ارتباط مستقیمی پیدا می‌کند... تلخی‌ها عمدتاً تورم بود، گرانی بود که حقیقتاً تلخ است. به‌خصوص گرانی در قیمت مواد خوراکی و لوازم اصلی زندگی، که وقتی قیمت خوراکی‌ها و مواد اصلی زندگی افزایش زیادی پیدا می‌کند بیش‌ترین سنگینی‌اش به دهک‌های پایین جامعه می‌آید... به‌نظر من در عمده مسائل اقتصادی کشور این نقطه، نقطه اساسی‌تر و مهم‌تری بود که تلخ بود.»

خامنه‌ای برای این که گرانی و تورم و بحران اقتصادی را رقیق‌تر و دولت را تبرئه کند، گفت:

«کارهای خوبی هم البته انجام گرفته در همین مسئله اقتصاد و سازندگی‌هایی که به اقتصاد منتهی می‌شود که حالا خواهیم گفت، باید این سازندگی‌ها دنبال بشود تا به زندگی مردم و معیشت مردم منتهی بشود و ارتباط پیدا کند. از تولید حمایت شد، در طول سال ۱۴۰۱، با اطلاعاتی که من دارم از تولید در کشور حمایت شد. چند هزار کارخانه تعطیل و نیمه‌تعطیل راه‌اندازی شد. شرکت‌های دانش‌بنیان افزایش پیدا کرد.»

به این ترتیب، خامنه‌ای خودش هم متوجه دروغ‌گویی و آمارسازی است و به همین دلیل، بلافاصله می‌گوید:

«البته آن مقداری که من سال گذشته مطالبه کردم که افزایش پیدا کند، آن مقدار نشد اما یک افزایش قابل‌توجهی این شرکت‌ها پیدا کرد. ارزش تولیدات این شرکت‌ها هم بالا رفت. و مسئله اشتغال یک تکانی خورد، یعنی بیکاری یک درصدی - ولو حالا درصد اندکی - کم شد.»

رئیس جمهوری اسلامی بار دیگر به اعتراضات پرداخت و این‌بار حتی بدون اشاره به مصداق مشخصی از «حمایت تسلیحاتی» کشورهای غربی از معترضان سخن گفت.

او گفت که روسای آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، «با انواع حمایت‌های تسلیحاتی، سیاسی، مالی، امنیتی و رسانه‌ای، تلاش کردند جمهوری اسلامی را لااقل تضعیف کنند، اما در میدان، درست برعکس این هدف تحقق یافت و جمهوری اسلامی بر این توطئه جهانی پیروز شد و نشان داد قوی و مستحکم است.»

خامنه‌ای بار دیگر هدف از اعتراضات را «جلوگیری از پیشرفت ایران» ذکر کرد و برای معترضان رجزخوانی کرد و گفت «مردم به آنان سیلی زدند.»

درخواست رهبر جمهوری اسلامی برای مهار تورم و افزایش رشد اقتصادی، شاید ملموس‌ترین و عینی‌ترین سخنان او درباره وضعیت اقتصادی است، چرا که دیگر سخنان او توصیه‌هایی کلی بوده که قابل اندازه‌گیری نیست.

آمار تورم و رشد اقتصادی اما موضوعی قابل اندازه‌گیری است و آمار آن توسط نهادهای رسمی نیز ارائه می‌شود.

با این حال، این نگرانی وجود دارد که مقامات به‌جای کاهش تورم و افزایش رشد اقتصادی، آمارها را به دلخواه او دستکاری کنند تا نشان دهند خواسته او اجرا شده است.

خامنه‌ای درباره رشد اقتصادی نیز بدون اشاره به خروج آمریکا از برجام گفت که «در بعضی از سال‌های دهه ۹۰، رشد اقتصادی زیر یک بود و در زمان تصدی دولت فعلی نیز میزان رشد اقتصادی، بسیار پایین بود.»

زمان مورد اشاره خامنه‌ای اما دوره ای است که آمریکا از برجام خارج شده است، اما او همچنان منکر تاثیر سیاست خارجی بر اقتصاد است و ایده‌های گذشته خود درباره این‌که اقتصاد نباید به دلار و نفت گره بخورد، را تکرار کرد.

رهبر جمهوری اسلامی گفت که در دولت‌های گذشته خواستار واگذاری امور اقتصادی به مردم، و کاهش تصدی‌گری دولت بوده، اما «واگذاری‌ها یا انجام نگرفت یا به‌شکلی غلط انجام شد که نتیجه آن به‌ضرر مردم بود.»

او همچنین گفت که «بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و شبه دولتی که بعضا با تعبیر زشت خصولتی از آن‌ها یاد می‌شود، نباید با بنگاه‌های خصوصی رقابت کنند.»

سخنان خامنه‌ای به معنای حمایت دوباره از فروش اموال دولت است که در واقع جز «غارت اموال عمومی مردم»، چیز دیگری نیست.

بخش‌هایی از سخنان اما مبهم است و مشخص نیست که پشت آن چه سیاستی نهفته است، چرا که نه سیاست‌های خصوصی‌سازی دولت رئیسی روشن است، و نه خود خامنه‌ای سیاست روشنی در اینباره داشته است.

بخش مهمی از «خصولتی‌ها» نیز در عرصه عمل، نهادهای زیر نظر خود رهبر جمهوری اسلامی هستند. با این حال، او هیچ اشاره‌ای به این نهادها نکرده است و شاید از نگاه خود آنان را جزو بخش خصوصی می‌داند.

اما باز هم ممکن است که به نام خصوصی‌سازی، شکل دیگری از «خودمانی‌سازی» انجام شود و این نهادها خریدار شرکت‌ها و اموال دولتی شوند و سهم خود در اقتصاد را افزایش دهند.

او تاکید کرد «جبهه دشمن سال‌ها است که با صدای بلند اعلام می‌کند که می‌خواهیم جمهوری اسلامی را به زانو در آوریم و در مقابل، رهبری می‌گوید «غلط می‌کنید»، این تکرار نیست، بلکه استقامت و ایستادن پای سخن حق طبق دستور پروردگار است.»

سخنان روز اول نوروز خامنه‌ای تکرار سخنان سابق در حوزه سیاسی بود، و در اقتصاد نیز چشم‌انداز جدیدی ارائه کرد که هنوز جزییات آن مبهم است.

اما خامنه‌ای سپس چشم‌انداز سال ۱۴۰۲ را هم برای خود و حکومتش تیره و تاریک توصیف کرد و اقرار نمود:

«به نظر من در سال ۱۴۰۲ هم مسئله اصلی ما مسئله اقتصاد است. یعنی ما مشکل کم نداریم، مشکلات گوناگونی داریم، در زمینه فرهنگی، در زمینه سیاسی، لکن مسئله اصلی و محوری در این سال هم مسئله اقتصاد است.»

در مورد پیام نوروزی خامنه‌ای علاوه بر نکات فوق، اما او از سر ترس اسمی از انقلاب مردم ایران نبرد که اکنون ماه هفتمین ماه خود شده است. در واقع خامنه‌ای بدون این‌که به روی خودش بیاورد که مهم‌ترین تلخی که نزدیک بود او و حکومتش را به زیر خاک بکشد انقلاب «زن، زندگی، آزادی» بود.

دن کیشوت داستان نجیب‌زاده‌ای است که بعد از خواندن داستان‌هایی از شوالیه‌ها، در لباس آنان در می‌آید و در دنیای بلاهت خودساخته، خود را پهلوان تصور می‌کند. او در دنیای وهمی خود آسیاب‌های بادی را دشمن می‌پندارد و به جنگ آنان می‌رود و وقتی بر پروانه آسیابی نیزه‌اش را فرو می‌کند، با اسبش نقش زمین می‌شود. البته دن کیشوت بعد از این ضربه باز هم از رو نمی‌رود و برای آسیاب‌های بادی که در دنیای وهمی او غول‌های جنگی هستند، رجز می‌خواند.

خامنه‌ای، همواره در دیدارها و سخنرانی‌های اخیر خود با بسیجیان و غیره، به‌طور مکرر معترضان خیابان‌ها را عده‌ای «اغتشاش‌گر» و «تروریست» می‌نامد.

حالا حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران، در تازه‌ترین سخنان دن کیشوت‌وار خود، خطاب به جوانان انقلابی، چنین گفت:

«شما پر کاه را از پشه نمی‌توانید پس بگیرید، آن وقت می‌خواهید ایران را (از ما) پس بگیرید؟، هر کسی به امنیت ما دست دراز کند، غرق خواهیم کرد و این رجزخوانی نیست... به خودتان رحم کنید.»

حسین سلامی، در ادامه گفت:

«جمهوری اسلامی این روزها با یک فتنه عظیم جهانی، با «ائتلافی از تمام شیاطین! و اشرار عالم روبه‌رو شده و بسیج در مقابل این اشرار ایستاده است.»

سلامی دن کیشوت وار انقلاب مردم ایران و دیگر اعتراض‌های جاری کشور را به دشمنان خارجی نسبت داد و خطاب به آنان، یعنی آمریکا، اسرائیل، آلمان، فرانسه، عربستان و متحدان‌شان هشدار داد که نمی‌توانند ایران را از چنگ جمهوری اسلامی بیرون آورند.

او در پایان، تهدید کرد: «ما در مقابل دشمنانمان خطرناکیم و مراقب باشید... این بار دشمن را کامل خواهیم شکست.» سلامی به بلوچستان رفت و در تجمع بسیجی‌ها گفت:

«دشمن تصور می‌کرد نظام ساقط خواهد شد. ملت عزیز مطمئن باشید! این نظام قدرتمند است.»

گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران می‌گوید اقدامات جمهوری اسلامی ایران در نقض حقوق بنیادین مردم این کشور می‌تواند مصداق «جنایت علیه بشریت» باشد.

جاوید رحمان روز دوشنبه ۲۹ اسفند در گزارشی به شورای حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران در سرکوب اعتراضات شش ماه اخیر ۷۱ کودک را کشت، عامدانه پستان، اندام جنسی و چشمان دختران معترض را هدف قرار داد و در ۷۵ روز نخست از سال جاری میلادی، ۱۴۳ تن را اعدام کرد.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران افزود تعداد موارد قتل و شدت عمل در بازداشت‌های به‌دور از موازین بین‌المللی، ناپدیدسازی قهری، شکنجه، تجاوز، خشونت جنسی و آزار معترضین جزو اعمالی است که می‌تواند ذیل «جنایت علیه بشریت» تعریف شود.

جاوید رحمان در مورد مرگ مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله‌ای ایرانی که شهریور امسال در سفر با خانواده به تهران از سوی ماموران پلیس امنیت اخلاقی بازداشت شد و ساعتی بعد جان باخت، گفت شواهدی در دست دارد که نشان می‌دهد مهسا بر اثر ضرب‌وشتم ماموران دولتی جان خود را از دست داد.

او پیش از نشست روز دوشنبه شورای حقوق بشر در ژنو، گزارش ۲۰ صفحه‌ای خود را در اختیار ۴۷ کشور عضو شورا قرار داده بود.

این گزارش، پایمال شدن حقوق بشر در ایران را در فصل‌های جداگانه پیش و پس از مرگ مهسا امینی تا پایان سال ۲۰۲۲ میلادی شرح داده است.

جاوید رحمان و تیم او موارد نقض حقوق بشر در دوره اعتراضات را بر اساس مستندکردن بازداشت‌ها، محاکمه‌ها در دادگاه‌های جمهوری اسلامی، شکنجه‌ها و سایر رفتار نامناسب در قبال بازداشتی‌ها و زندانیان و اعدام معترضین در ایران تنظیم کردند.

به گزارش رحمان، دستکم ۵۲۷ تن در جریان اعتراضات تا آخر سال میلادی ۲۰۲۲ کشته شدند؛ مرگ برخی از قربانیان نتیجه ضرب‌وشتم شدید ماموران بوده است.

جاوید رحمان اظهارات پزشکان ایرانی را مستند نتیجه‌گیری خود کرده است که زنان و دختران بسیاری عامدانه از ناحیه پستان و آلت تناسلی هدف گلوله ماموران قرار گرفتند.

او با استناد به شواهد بیان شده از سوی کودکان آزاد شده از بازداشت، گفت آن‌ها تایید کرده‌اند که مورد آزار جنسی قرار گرفته، به تجاوز تهدید شدند، با شوک الکتریکی به بدن و از جمله اندام جنسی‌شان شکنجه شدند، سرشان را زیر آب گرفتند، از بازوان آویزان کردند و دختران را با روسری‌ها به دور گردن از سقف آویخته و شکنجه کردند.

گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران به اعدام چهار تن از معترضین، در فاصله کوتاهی پس از بازداشت اشاره کرد، و افزود که از اول ژانویه ۲۰۲۳ نیز دستکم ۱۴۳ تن در پی «محاکمات به‌شدت ناعادلانه» اعدام شده‌اند.

علی بحرینی، نماینده جمهوری اسلامی ایران در مقر اروپایی سازمان ملل، در واکنش به گزارش جاوید رحمان، آن را «تخیلی» و «غرض‌آلود» توصیف کرد.

به ادعای نماینده جمهوری اسلامی، جاوید رحمان و مخالفان «تخیلات خود را به عنوان واقعیات ایران به تصویر می‌کشند».

جمهوری اسلامی ایران با گذشت شش ماه از مرگ مهسا امینی، که جرقه اعتراضات جنبش «زن، زندگی، آزادی» را روشن کرد، هنوز مدعی است که او بر اثر بیماری‌های زمینه‌ای جان داد؛ ادعایی که پیاپی از سوی خانواده امینی رد شده است.

جمهوری اسلامی ایران، هرگز به جاوید رحمان که از پنج سال و نیم پیش مامور رصد وضعیت حقوق بشر ایران شده، اجازه حضور در ایران برای انجام تحقیقات مورد نیاز شورای حقوق بشر را نداده است.

با این حال، شورا چهار ماه پیش در اوج برخوردهای خشونت‌بار جمهوری اسلامی با معترضین در تظاهرات پس از مرگ مهسا امینی، رأی داد که یک کمیته حقیقت‌یاب برای بررسی سرکوبگری‌های حکومت ایران تشکیل شود. روند برپایی این کمیته در جریان است تا شواهدی را که گردآوری می‌کند، به دادگاه‌های بین‌المللی ارائه کند.

مسئولان ارشد جمهوری اسلامی ایران در ۴۴ سال حکومت خود، با وجود در دست بودن هزاران گزارش در خصوص شکنجه، زندانی کردن صدها هزار تن، اعدام‌های وسیع و کشتن و ربودن مخالفان در داخل و خارج، هیچ‌گاه از سوی دیوان کیفری بین‌المللی لاهه به‌عنوان جنایت‌کار جنگی تحت تعقیب قرار نگرفته یا در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه نشده‌اند.

تنها مورد از تعقیب و محاکمه مقامات ایرانی در دادگاه‌های جهان، محاکمه حمید نوری، یک مهره ظاهرا دون‌پایه اطلاعاتی و دستگاه قضایی بود که به اتهام کشتارهای زندانیان در اواخر دهه شصت خورشیدی در سوئد محاکمه شد. به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس علی بحرینی سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی در دفتر ملل متحد در ژنو، در روز دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۱، به رویکردها و رفتارهای گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران به‌شدت انتقاد کرد و این گزارشگر را غیرحرفه‌ای خواند.

این نماینده جمهوری اسلامی، در حالی گزارشگر ویژه حقوق بشر را به غیر حرفه‌ای بودن متهم کرده است که این حکومت از ابتدای تعیین نماینده ویژه برای ایران به‌جز در یک مورد هیچ نماینده‌ای را به ایران راه نداده تا در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران تحقیق نمایند. در عین حال هم مدعی می‌شود که چرا این نماینده‌ها برای تحقیق سراغ مخالفان ما می‌روند.

نماینده جمهوری اسلامی، مدعی شده است: «ادعاهای گزارشگر ویژه در گزارش خود تکرار ادعاهای تعدادی از دولت‌های غربی و رسانه‌های آن‌ها و گروه‌های تروریستی مستقر در کشورهایشان است که سعی می‌کنند تصورات خود را به‌عنوان واقعیت وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مطرح کنند».

این نماینده حکومت چهل و جنایت و ترور، نتوانست ترس و خشم خود را از انقلاب مردم ایران و حمله و هجوم جوانان به بسیجی‌ها و پاسداران را پنهان سازد، گفت:

«مردم ایران نزدیک به سه ماه شاهد اغتشاشات، حملات تروریستی و شورش‌های مسلحانه بودند. اما آقای رحمان حتی به حمله تروریستی داعش به یک مکان مذهبی در شیراز که ۱۳ زن، کودک و مردم عادی بی‌گناه را به شهادت رساند، اشاره‌ای نکرد. این حمله تروریستی در واقع برای دامن زدن به شورش‌ها و ترویج خشونت انجام شد. وی همچنین از نوشتن و صحبت کردن در مورد حملات مسلحانه به مردم در استان‌های مختلف، قتل عابران و بیش از ۸۰ نیروی

امنیتی که با سنگ، چوب، آهن و گلوله‌های واقعی توسط اغتشاشگران و گروه‌های تروریستی به شهادت رسیدند، خودداری کرده است.»

این نماینده حکومت بچه‌کش، مدعی شد:

«در جریان یک جنگ همه‌جانبه و ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران، بیش از ۱۲۰ شبکه تلویزیونی، ۱۰۰ شبکه رادیویی و ده‌ها سایت و شبکه اجتماعی تمرکز خود را بر روی جوانان، زنان و دختران و کودکان ایرانی قرار دادند و تلاش‌شان این بود که با ارائه آموزش‌های لازم در مورد چگونگی درگیری مسلحانه، آن‌ها را تشویق به ساخت بمب و اغتشاش در خیابان‌ها و شهرها کردند و اخیراً هم به بهانه موضوع «مسمومیت دانش‌آموزان» در برخی از مدارس، سناریوی جدیدی برای التهاب‌آفرینی و کشاندن مجدد جوانان و دانش‌آموزان به خیابان‌ها بسازند.»

با گذشت نزدیک به ۴ ماه از آغاز حملات کیمیایی به مدارس دخترانه و مسمومیت گسترده دانش‌آموزان، یک عضو مجلس حکومتی اعتراف کرد که در این قضیه حکومت پنهان‌کاری کرده و رد هیچ عامل خارجی یافت نشده است.

یحیی ابراهیمی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس حکومتی اعتراف کرد که تاکنون ۲۶ استان و ۲۴۵ مدرسه درگیر موضوع مسمومیت شده‌اند و نیروهای امنیتی هم اعلام کردند تا الان ردپای عوامل خارجی پیدا نشده است.

این نماینده مجلس به سایت حکومتی رویداد ۲۴ گفت:

«ما هر جا در موضوعی، ساده‌انگاری کردیم، یک ضربه اساسی خوردیم. دقیقاً مثل زمان کرونا. متأسفانه موضوع را به راحتی رها کردیم، در حالی که باید سریع‌تر اقدام می‌کردیم و خودمان واقعیت را به مردم می‌گفتیم. نباید اجازه می‌دادیم که رسانه‌های بیگانه، فرمان ما را دست بگیرند و بعد از آن تازه ما بدو بدو به دنبال داستان بیفتیم.»

این عضو کمیسیون بهداشت مجلس افزود: «در ماجرای مسمومیت دانش‌آموزان، با مردم همراهی نشد و قضیه را پنهان کردیم.

این روند ادامه پیدا کرد تا این‌که طی دو، سه هفته گذشته، این موضوع شدت گرفت و شهر بروجرد هم درگیر شد.»

این عضو کمیسیون بهداشت مجلس حکومتی افزود:

«چند روز پیش، جلسه‌ای با حضور نیروهای امنیتی اطلاعات سپاه، نیروی انتظامی و وزیر کشور داشتیم. من به عنوان یک پزشک گفتم اول از همه صادقانه با مردم صحبت کنیم تا روند پیگیری‌ها و همراهی مردم با ما بهتر شود.»

او با رد ادعاها در مورد توهمی بودن این حملات کیمیایی گفت:

«در مدرسه‌ها، اول یک بوی تند مثل ماهی گندیده به مشام می‌رسد و بعد بی‌حالی و تنگی نفس و سرفه برای دانش‌آموز اتفاق می‌افتد. بعد علائم نورولوژیک عصبی پدیدار می‌شود که معمولاً به شکل گزگز و مورمور سر انگشت‌های دست و پا است و در نهایت اضطراب و استرس و بعد بیماران به بیمارستان منتقل می‌شوند. عمدتاً بیماران یک تا شش ساعت بعد، به سلامتی می‌رسند، زیرا سرم‌تراپی می‌شوند و استرس کاهش می‌یابد.»

این عضو مجلس که گویی از قصد و هدف مسموم کنندگان دختران خبر دارد گفت:

«موضوع مسمومیت دانش‌آموزان، به قصد کشتن نیست! چون تا الان کسی فوت نکرده است و فقط به قصد رعب و وحشت و اضطراب در سطح جامعه است.»

این عضو مجلس حکومتی از استان لرستان افزود:

عضو مجمع نمایندگان استان لرستان می‌گوید: «۲۶ استان و ۲۴۵ مدرسه درگیر موضوع شده‌اند. اگر این چالش، هیستریک و تمارض باشد، مگر می‌شود که شش هزار نفر بیمارستانی شوند؟ خیر تمارض نیست.

واقعیت امر این است که این بمب‌ها، یک ماده کیمیایی با عمر کوتاه هستند، چون فرار است و در خون قابل ردیابی نیست. این بمب، اثرات سمی دارد، ولی پایدار نیست و زودگذر است.»

عضو کمیسیون بهداشت مجلس می‌گوید: «از نیروهای امنیتی و مجموعه دستگاه‌های اجرایی خواستیم که به سرعت ابعاد این موضوع را مشخص کنند و اطلاعات کاملی به مردم بدهند. فعلاً سرنخ دقیق و درستی درنیامده است و من در تمام جلسات حضور داشته‌ام. اینکه مشخص شده باشد که کار سازمان مجاهدین یا جای دیگری است، صحت ندارد. تا الان نیروهای امنیتی اعلام کرده‌اند که ردپای عوامل خارجی پیدا نشده، ولی هیچ علت خاصی هم پیدا نکرده‌اند.»

پارلمان اروپا طی قطع‌نامه‌ای که به‌تاریخ ۱۶ مارس ۲۰۲۳، در سایت این پارلمان قرار داده شد، ضمن محکوم کردن حمله کیمیایی و مسموم کردن دختران مدارس، خواهان لیست‌گذاری سپاه پاسداران شد. در قطع‌نامه پارلمان اروپا آمده است:

الف. با توجه به این‌که زنان و دختران در ایران تظاهرات مسالمت‌آمیز گسترده‌ای را رهبری کرده‌اند که خواستار دموکراسی و پایان دادن به تبعیض سیستماتیک علیه زنان شده‌اند.

ب. نظر به این‌که هزاران دختر و زن در سراسر ایران از نوامبر ۲۰۲۲ با مواد کیمیایی سمی مورد حمله قرار گرفته‌اند که مانع از رفتن دختران به مدرسه می‌شود.

ج. نظر به این‌که این در زمانی اتفاق می‌افتد که سرکوب زنانی که از حق آزادی خود استفاده می‌کنند شدیدتر از همیشه است.

این قطع‌نامه هشت بند دارد.

با گذشت نزدیک به چهار ماه، هنوز به‌طور رسمی دلیل مسمومیت و بیماری دانش‌آموزان مشخص نیست و مقام‌ها درباره علت آن تناقض‌گویی می‌کنند.

بعضی از مقام‌های جمهوری اسلامی، تلویحاً از دست داشتن «معاندان و براندازان» و خواسته آنان برای تعطیلی مدارس سخن گفته‌اند اما به صراحت اعلام نکرده‌اند که چه کسانی پشت این کار هستند.

جلسات متعددی با حضور مقام‌های امنیتی و مسئولان وزارت کشور، وزارت بهداشت و وزارت آموزش و پرورش برگزار شده اما حتی این موضوع هم به‌طور رسمی اعلام نشده که چه چیز عامل مسمومیت بوده است.

خانواده‌ها می‌خواهند درباره تبعات این اتفاق بر سلامت فرزندان‌شان بیش‌تر بدانند اما این اطلاعات به آن‌ها داده نشده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد نیروهای امنیتی و دستگاه‌های اطلاعاتی از ابتدا در جریان ماجرا بوده و حتی برخی از ماموران در مدرسه‌ها حضور داشته‌اند. تصاویری منتشر شده که نشان می‌دهد مقابل یکی از مدارس در تهران یک مامور با لباس شخصی موهای مادر معترض یکی از دانش‌آموزان را از پشت می‌کشد و یک نفر دیگر با دست دهن او را بسته است.

با وجود حضور گسترده نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در اطراف مدرسه‌های دچار مسمومیت، گزارش این نهادها درباره چگونگی مسمومیت‌های سریالی به اطلاع مردم و خانواده‌ها نرسیده است.

سال ۱۴۰۱، برای بسیاری از ایرانیان سال سختی بود؛ سال خشم و فریاد، خون و گلوله، زندان و شکنجه، داغ و درد و بیم و امید. خانواده‌های زیادی عزیزان‌شان را در اعتراضات از دست دادند. آن‌ها که عزیزان‌شان را در اعتراضات سراسری از دست داده‌اند، پای سفره هفت‌سین، لحظه سال تحویل، یادشان ار گرامی داشتند.

مردم در برخی از شهرها و به‌ویژه شهرها و مناطق کردستان، به رسم سنت، در آخرین پنج‌شنبه سال بر سر مزار جان‌باختگان راه آزادی گرد آمدند و با آن‌ها و آرمان‌هایشان تجدید پیمان کردند.

در آستانه نوروز ۱۴۰۲ و شش ماه پس از آغاز اعتراضات «زن زندگی آزادی»، شمار چشم‌گیری از ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی تصاویری از سفره‌های هفت‌سین خود را به یاد جان‌باختگان این اعتراضات منتشر کرده‌اند. در بسیاری از این سفره‌ها، عکس مهسا امینی، جان‌باختگان اعتراضات و بازداشت‌شدگانی که اعدام شده‌اند، دیده می‌شود.

بر اساس گزارش‌ها، در جریان سرکوب اعتراضات «زن زندگی آزادی» حدود ۵۰۰ معترض از جمله ده‌ها کودک کشته شدند. حدود ۳۰ هزار معترض بازداشت و چهار نفر از بازداشت‌شدگان هم در محاکمه‌های «فوری و غیر عادلانه» اعدام شدند.

در آستانه تحویل سال ۱۴۰۲، در محلات مختلف تهران از جمله در تهرانسر، زیبا شهر، اکباتان و در شهرهای بسیاری از جمله شهرهای کرج، مشهد، سقز، اشنویه، سنندج، بوکان، پیرانشهر، روستای چورونه، دهگلان، ارومیه، مهاباد، ایذه، رضوانشهر، شیراز، سردشت، و رشت شعاردهی علیه حکومت از منازل بسیار گسترده بود.

سال ۱۴۰۲ با طنین رسای مرگ بر دیکتاتور بر فراز خیابان‌های سراسر ایران آغاز شد. در بسیاری از این شهرها جمعیت بسیاری از مردم به خیابان آمدند و با برافروختن آتش و رقص و شادی و با سر دادن شعارهای «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه»، «مرگ بر جمهوری اعدامی»، «زن، زندگی، آزادی» و ...، بر تداوم انقلاب خود و سرنوشتی جمهوری اسلامی تاکید ورزیدند.

در شهرهای مختلف کشور، خانواده‌های جان‌باختگان به‌همراه جمعیت کثیری از مردم آزاده بر مزار عزیزان جان‌باخته تجمع کردند. قبرستان آچی در سقز محل خاکسپاری مهسا امینی نماد انقلاب «زن، زندگی، آزادی» با فریاد «مهسا مهسا» و «ژن، ژیان، نژادی»، شاهد یک مراسم انقلابی بود.

در بسیاری از شهرها مردم با پهن کردن سفره هفت‌سین با نشان‌های انقلاب، یاد و نام و تصاویر جان‌باختگان انقلاب «زن، زندگی، آزادی» را گرامی داشتند.

گوهر عشقی مادر زنده‌یاد ستار بهشتی که به‌دست شکنجه‌گران جمهوری اسلامی در زندان به قتل رسید، نیز با انتشار تصویری از خود در کنار مزار پسرش در حالی که تصویری از سیدمحمد حسینی را در دست داشت، در توییتری سال نو را تبریک گفت و نوشت: «بهار طبیعت و نوروز باستانی، بر شما خجسته باد».

یک شهروند ایرانی نیز نام شمار بسیاری از جان‌باختگان اعتراضات را بر روی میز شیشه‌ای که سفره هفت‌سین را روی آن پهن کرده، نوشته است.

برخی از خانواده‌های کشته‌شدگان و دادخواهان از جمله خانواده کیان پیرفلک عکس‌هایی از خود در کنار هفت‌سین منتشر کرده‌اند.

برخی هنرمندان نیز با کشیدن طرح‌هایی از جان‌باختگان و بازداشت‌شدگان اعتراضات یاد کردند. امسال خانواده‌های جان‌باختگان، «هفت‌سین» خود را بر مزار عزیزان‌شان پهن کردند و به‌جای آجیل و شیرینی، خرما و حلوا گذاشتند. در نبود عزیزان‌شان، قاب عکس‌های آن‌ها را بغل کردند.

«محسن شکاری» یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ ایران بود که در ۱۷ آذر ۱۴۰۱، پس از ۷۵ روز بازداشت، توسط جمهوری اسلامی اعدام شد. اعدام او شوک بزرگی بود و خشم عمومی در ایران و جهان در پی داشت.

«مسعود شکاری»، پدر محسن به «ایران‌وایر»، گفت: «ما عید نداریم، خونه تاریکه با نبودن محسن، داغون هستیم.» در آخرین روز سال ۱۴۰۱، مردم با حضور بر سر مزار مهسا امینی یاد او را گرامی داشتند. مژگان افتخاری، مادر مهسا امینی، با انتشار تصویری از دخترش در اینستاگرام نوشت: «ابد من به چی فکر می‌کنی. من امسال عید و بی تو چکار کنم. ژینا جان، بخدا زمین بی تو اصلا جای قشنگی نیست.»



دو یادداشت تصویری که مژگان افتخاری، مادر ژینا درباره او منتشر کرده است: اولی (سمت راست) مربوط به روز بازداشت و دومی در آستانه نوروز نوشته شده است

«امجد امینی»، پدر «ژینا (مهسا) امینی»، با گذشت بیش از ۶ ماه از قتل دختر جوانش در سوگ عزیز از دست‌رفته و جای خالی او، هر روز برای دیدنش به مزار او در گورستان «آیچی» سقز می‌رود. حالا پدر ژینا و دیگر اعضای خانواده امینی در حال تدارک مقدمات برگزاری مراسم نوروز و تحویل سال جدید ۱۴۰۲ در کنار دختری هستند که نامش به نماد مقاومت زنان در ایران بدل شد و با جنبش «زن، زندگی، آزادی» گره خورد.

سندی که از سخنان بعضی فرماندهان ارشد سپاه در جلسه محرمانه با رهبر جمهوری اسلامی فاش شده، نشان می‌دهد که مجتبی خامنه‌ای پروژه جانشینی پدرش را همچنان دنبال می‌کند و با دخالت در عزل و نصب‌ها در بالاترین سطح، پس از کنار گذاشتن طائب، ظاهراً عبور از ابراهیم رئیسی را نیز آغاز کرده است.

طبق این سند افشا شده، در این جلسه برای اولین بار یدالله بوعلی، فرمانده سپاه فجر استان فارس، از مجتبی خامنه‌ای نام برد و معترض شد که ترتیبات جدید در «نیروهای نظامی خاص» با نظر شخص «مجتبی خامنه‌ای و نیروهای تحت امرش» ساختار تامین امنیت کشور را مخدوش می‌کند.

او هشدار داد عوض کردن این نیروها طبق نظر عده‌ای می‌تواند «فاجعه‌بار» باشد، اما در عین حال خاطرنشان کرد تمام نظرات مجتبی خامنه‌ای بد نبوده و تنها جابه‌جایی «افراد استخوان‌دار» می‌تواند ضربه بزند.

طائب که از نزدیکان مجتبی خامنه‌ای بود طی ۱۳ سال ریاست بر این سازمان با رهبری حلقه نزدیکان مجتبی خامنه‌ای، زمینه را برای حذف رقبای احتمالی او فراهم کرد.

از جمله مشهورترین چهره‌های حذف شده، صادق آملی لاریجانی بود که در پی محاکمه اکبر طبری، معاون پیشین دو رییس قوه قضاییه، صورت گرفت. پس از آن نیز ابراهیم رئیسی در یک انتخابات مهندسی شده به قدرت رسید و علی لاریجانی حذف شد.

طبق سند افشا شده، در ادامه این جلسه محرمانه بعضی فرماندهان ارشد سپاه با علی خامنه‌ای، محمدحسین زیبایی‌نژاد مشهور به حسین نجات، جانشین فرمانده قرارگاه ثارالله، در دفاع از مجتبی خامنه‌ای تلویحا حذف طائب به‌دست او را تایید کرد.

حسین نجات در این جلسه گفت قدرت گرفتن مجتبی خامنه‌ای در جهت تسهیل امنیت است و خاطرنشان کرد جابه‌جایی افراد کلیدی در دستگاه‌ها راهی برای مدیریت بحران است تا بتوان جلوی فروش و درز اطلاعات را گرفت. در ماه‌های منتهی به برکناری طائب، موساد چند عملیات تروریستی سپاه پاسداران را خنثی کرد و با ترور یکی از نیروهای واحد ۸۴۰ سپاه در قلب تهران و بازجویی از دو عضو سپاه در داخل خاک ایران، ضربه بزرگی به اطلاعات سپاه پاسداران وارد کرد.

در ادامه جلسه محرمانه فرماندهان ارشد سپاه با علی خامنه‌ای، امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده هوافضای سپاه و از متهمان اصلی سرنگونی پرواز اوکراینی، از کمک‌های دفتر مجتبی خامنه‌ای در تامین مالی برنامه پهبادی و موشکی سپاه تمجید کرد.

همچنین در این جلسه محرمانه، عوض شهابی‌فر، یکی دیگر از فرماندهان نیروی قدس سپاه، مدعی شد که مجتبی خامنه‌ای از «علمای برتر در علوم نظامی» است و گفت قاسم سلیمانی و اسماعیل قآنی، فرمانده کنونی نیروی قدس، از «اشراف» مجتبی خامنه‌ای به مسائل خارجی و خطرات خارجی برای نظام، ابراز شگفتی کرده‌اند.

مرتضی عمو مهدی، جانشین فرمانده سپاه صاحب‌الزمان اصفهان، نیز در این جلسه محرمانه سخنانی گفت که از زمزمه‌های عبور از ابراهیم رئیسی خبر می‌دهد. او دولت ابرهیم رئیسی را «بی‌سواد» خواند و از قول مجتبی خامنه‌ای نقل کرد که مدیریان منصوب رئیسی در دولت توان و سواد ندارند و کشور را به بن‌بست اقتصادی کشانده‌اند.

خامنه‌ای اگر کمی به عاقبت خود و حکومتش فکر کند از سرنوشت محمدرضا ضاه پند می‌گیرد.

سخنرانی شاه در اسفند ماه ۱۹۷۸، سخنانش را با «مه فشانند نور و سگ عو عو کند» تمام کرده بود. اما او در پانزدهم آبان ۱۳۵۷، در یک سخنرانی رادیویی و تلویزیونی به مردم ایران اعلام کرد: «پیام انقلاب شما را شنیدم متعهد می‌شوم خطاهای گذشته از هر جهت جبران شود.» این سخنرانی که بسیاری آن را دیر هنگام دانستند.

ساعت ۱۰ صبح پانزدهم آبان ۱۳۵۷، شاه متن سخنرانی را در برابر دوربین تلویزیون قرائت کند. این خطابه، کمتر از ۲ ماه پس از کشتار ۱۷ شهریور و همچنین دو روز پس از کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان در واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۷، از تلویزیون ایران پخش شد.

اما آخرین تلاش‌های شاه برای ایستادن مقابل سیل انقلاب بی‌نتیجه بود. بخش مهم سخنرانی محمدرضا این قسمت بود: «من آگاهم که به‌نام جلوگیری از آشوب و هرج و مرج این امکان وجود دارد که اشتباهات گذشته و فشار اختناق تکرار شود. من آگاهم که ممکن است بعضی احساس کنند که به‌نام مصالح و پیشرفت مملکت و با ایجاد فشار این خطر وجود دارد که سازش نامقدس فساد مالی و فساد سیاسی تکرار شود و اما من به‌نام پادشاه شما که سوگند خورده‌ام که تمامیت ارضی مملکت، وحدت ملی و مذهب شیعه اثنی‌عشری را حفظ کنم، بار دیگر در برابر ملت ایران سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم که خطاهای گذشته هرگز تکرار نشود، بلکه خطاها از هر جهت نیز جبران گردد.

متعهد می‌شوم که پس از برقراری نظم و آرامش در اسرع وقت یک دولت ملی برای آزادی‌های اساسی و انجام انتخابات آزاد، تعیین شود تا قانون اساسی که خون‌بهای انقلاب مشروطیت است به‌صورت کامل به مرحله اجرا در آید، من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم! من حافظ سلطنت مشروطه که موهبتی است الهی که از طرف ملت به

پادشاه تفویض شده است هستم و آنچه شما برای به دست آوردنش قربانی داده‌اید، تضمین می‌کنم، که حکومت ایران در آینده بر اساس قانون اساسی، عدالت اجتماعی و اراده ملی و به دور از استبداد و ظلم و فساد خواهد بود.»

اما شاه زمانی در مقابل مردم زانو زد و اظهار عجز و درماندگی کرد که همه می‌دانستند او و حکومتش رفتنی است. دیر نیست که خامنه‌ای نیز اقرار کند: «من صدای انقلاب شما را شنیدم و ...» اما خامنه‌ای دهه‌هاست که فرصت‌های خود و حکومتش را سوزانده و هیچ گریزی از سرنوشتی حتمی ندارد. به احتمال زیاد خامنه‌ای نیز امسال همانند شاه با گریه و زاری کشور را ترک خواهد کرد و یا در زیر آوارهایی که خودش به بار آورده مدفون خواهد شد! «دن کیشوت وار» صفتی است که بسیار شنیده‌ایم و در مکالماتمان از آن استفاده کرده‌ایم. صفتی که ادبیات در اختیارمان قرار داده است: مجموعه‌ای از رفتارها و یک ساختار کلی از ویژگی‌های انسانی در بستری داستانی یا حتی سبک شناختی یک انسان را دربرمی‌گیرد.

در واقع این کتاب در مورد کتاب، خواندن، نوشتن، ایده‌آلیسم در مقابل ماتریالیسم، زندگی ... و مرگ است. دن کیشوت دیوانه است. «مغز او خشک شده است» به دلیل خواندن داستان‌های خیالی، او نمی‌تواند واقعیت را از داستان جدا کند، ویژگی‌ای که در آن زمان به عنوان یک موضوع خنده‌دار در نظر گرفته می‌شد! با این وجود، سروانتس از جنون دن کیشوت برای بررسی بحث ابدی بین اراده آزاد و سرنوشت استفاده می‌کرد. قهرمان گمراه او در واقع مردی است که با محدودیت‌های خود مبارزه می‌کند تا تبدیل به آن چیزی شود که آرزویش را دارد.

از طرف دیگر روایت مدرن و شگفت‌انگیز سروانتس به مجموعه‌ای خیره‌کننده از شخصیت‌ها با باورها و دیدگاه‌های گوناگون جان می‌دهد و کنایه‌ای ظریف، نگاهی انسان‌گرا و یک کمدی منحصر به فرد را به نمایش می‌گذارد. با توجه به وقایع اروپا در زمان انتشار این رمان، تبدیل دن کیشوت از نجیب‌زاده به شوالیه بسیار قابل توجه است. اسپانیا پس از قرن‌ها حضور مسلمانان، توسط پادشاهان مسیحی مجدداً فتح شده بود. در این زمان، موقعیت اجتماعی، ملیت و مذهب به عنوان تعیین‌کننده آینده یک فرد در نظر گرفته می‌شد، اما دن کیشوت این روال اجتماعی را به چالش کشید. او با قاطعیت به هر کسی که می‌کوشید او را به هویت «واقعی» و اصلی‌اش متقاعد کند، پاسخ داد: «من می‌دانم که هستم.»

اکنون نیز پس از گذشت ۴۰۰ سال از انتشار و موفقیت بزرگ دن کیشوت؛ در روزگار ما که اینک در برابر دیکتاتورهای مذهبی و غیرمذهبی، آسیاب‌های بادی و غول‌های دیجیتالی و جهان پرتلاطم برخورد عقاید قرار داریم، پیام ارزشمند دن کیشوت، به ویژه به نیرو جوان، این است: سرنوشت خود را بسازید و به هیچ حکومت و فردی اجازه ندهید با جان و مال و زندگی و جامعه شما بازی کنند!

اما در تقابل با دن کیشوت خدمتکارش «سانچو پانزا» قرار دارد؛ سانچو که در اولین ماجراجویی دن به استخدامش درآمده بود، نماینده عقل محاسبه‌گری و منطق بورژوازی و واقعیت عملاً موجود دوران خودش است. نقطه عزیمت و حرکت سانچو سود شخصی او بوده است. سانچو به‌خاطر ثروتمند شدن خودش به دنبال دن کیشوت راه افتاده (دن کیشوت به سانچو قول می‌دهد به پاس خدماتش او را حاکم ثروتمند یک جزیره کند)؛ دن کیشوتی که در دنیای وهم و خیال خود بهسر می‌برد و فاصله‌اش را با سانچو که محکم روی زمین ایستاده بود، حفظ می‌کرد.

اکنون دن کیشوت‌های جامعه ما، به‌خاطر حفظ پست و مقام و ثروت‌های بادآورده خود در سایه جمهوری اسلامی، نه مانند شخصیت‌های رمان «دن کیشون»، در دنیای واقعی حتی کودکان را نیز می‌کشند اما همه جنایت‌های خود را به دشمن‌های خیالی نسبت می‌دهند!

او از یک سو به جای اهداف خیالی، فرمان کشتار معترضان در خیابان‌ها را می‌دهد و از سوی دیگر، با تفکر دایی‌جان ناپلئونی، همواره تکرار می‌کند که این کار، کار انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها و غیره است.

با این وجود، امروز اکثریت شهروندان متوهم‌ترین و ساده‌لوح‌ترین شهروندان ایران نیز فهمیده‌اند که همه مقامات جمهوری اسلامی و در راس همه سیدعلی خامنه‌ای، همواره یک مشت وعده و وعید و ادعاهای کاذب و دروغین تحویل مردم می‌دهند؛ آن‌ها در روز روشن مردم حق و آزادی‌خواه را در خیابان‌ها به گلوله بسته و می‌کشند؛ به مدارس و دانشگاه‌های یورش می‌برند و کودکان را می‌کشند؛ در زندان‌ها زندانیان را زیر تجاوز و شکنجه به قتل می‌رسانند؛ در دادگاه‌های دو سه دقیقه‌ای حکم اعدام برای آن‌ها صادر می‌کنند و همزمان همه این جنایات خود علیه بشریت را به دشمنان و مخالفان حکومت‌شان نسبت می‌دهند!

آنچه که در سال ۱۴۰۲ در انتظار ایران است، هرچه هست، متأثر از به نتیجه رسیدن انقلاب «زن، زندگی، آزادی» خواهد بود که فعلاً چشم‌انداز روشنی برای پایانش وجود ندارد؛ هر قدر که این انقلاب سیاسی سرنوشت‌ساز با خط پایان، فاصله داشته باشد اما نویدبخش افق و چشم‌انداز بهتر و امیدبخشی است!

پنج‌شنبه سوم فروردی- حمل- ۱۴۰۲- بیست و سوم مارچ ۲۰۲۳